

## The Polysemy of the Verse ﴿ *Certainly We created man in travail* ﴾ and its Persian Translation

Layla Alikhani<sup>1</sup>

Ahmad Zare' Zardini<sup>2</sup>

### Abstract

The fourth verse of *Sūrat al-Balad*, about which various viewpoints have been brought up by commentators in its interpretation and by translators in its Persian translation, is a polysemic verse. The meaning of polysemy in the verse is not the same as ambiguity of meaning that occurs without the intention of the speaker; rather, it indicates the power and wisdom of God in choosing words and combinations that express multiple meanings at the same time and all meanings have also been intended by Him. With the aim of examining the interpretation and translation of the fourth verse of *Sūrat al-Balad*, the present research has premised the polysemic feature in it. Understanding and a desirable translation of the verse necessitates knowing the applied words, the juxtaposition relationship in the verse as well as the ambience of the *sūrah*. The present article, which is carried out with a descriptive-analytical method, comes to the conclusion that two meanings can be understood from the verse as it is intended by the Lord, which is reflected in the Persian translation of the verse, will be a parallel application of words due to the impossibility of one-to-one (one word for one word) making equivalents.

**Keywords:** *Sūrat al-Balad*, ﴿ *Certainly We created man in travail* ﴾, Qur'an translation, polysemy.

---

1. (Corresponding Author) Ph.D. Graduate, Qur'an and Hadith Sciences.

2. Associate Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, University of Meybod, Meybod, Iran.

## چندمعنایی آیه «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» و برگردان فارسی آن\*

لیلا علیخانی<sup>۱</sup>

احمد زارع زردینی<sup>۲</sup>

### چکیده:

چهارمین آیه از سوره بلد که مفسران در تفسیر و مترجمان در برگردان فارسی آن دیدگاه‌های مختلفی را مطرح نموده‌اند، آیه‌ای چندمعناست. منظور از چندمعنایی در آیه، نه به معنای ابهام معنایی است که بدون قصد گوینده در کلام رخ می‌دهد، بلکه حاکی از قدرت و حکمت خداوند در گزینش واژه‌ها و ترکیب‌هایی است که همزمان بیانگر چند معنا بوده و همه معانی، مقصود او نیز باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی تفسیری و ترجمه‌ای چهارمین آیه از سوره بلد، ویژگی چندمعنایی در آن را مفروض دانسته است. لازمه فهم و برگردان مطلوب آیه، شناخت واژگان کار بسته، روابط هم‌نشینی در آیه و سپس فضای سوره است. نوشتار پیش رو که با روش توصیفی - تحلیلی انجام یافته، به این نتیجه می‌رسد که می‌توان دو معنا را از آیه به عنوان مراد پروردگار دریافت که انعکاس آن در برگردان فارسی آیه، به سبب عدم امکان معادل‌سازی یک‌به‌یک (یک واژه به‌زای یک واژه)، کار بست موازی واژگان خواهد بود.

### کلیدواژه‌ها:

سوره بلد، «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ»، ترجمه قرآن، چندمعنایی.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۶، تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2023.66048.3705

۱- دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث (نویسنده مسؤول) alikhanileila27@gmail.com

۲- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران

zarezardini@meybod.ac.ir

قرآن کریم از لحاظ دلالت‌های واژگانی، ادبی و زیباشناختی، از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. از ویژگی‌های زیباشناختی قرآن کریم، پدیده چندمعنایی به معنای دلالت یک واژه بر چندین معنا، در عین همخوانی هر یک از معانی ذکر شده با بافت کلی آیه است. (نهیات و محمدیان، ۱۳۹۲: ۱۱۹)

سوره بلد از سوره‌های مکی است و بیست آیه دارد. آیه چهارم این سوره «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» است که در مقام جواب قسم‌ها قرار گرفته است. جایگاه آیه پیش‌گفته در این سوره تا بدان‌جاست که گاه از سوی تفسیرنگاران به‌عنوان غرض سوره معرفی شده است. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۳۰۹/۳۰) اهل لغت برای واژه «کبد» معانی مختلفی را برشمرده‌اند، حال آنکه کاریست این ماده در آیات وحی منحصر به همین جاست. به‌نظر می‌رسد این آیه عبارتی چندمعناست و همین امر، تعدد نظرات مفسران و اختلاف رویکرد مترجمان در برگردان فارسی آن را موجب گشته است.

با توجه به همگانی بودن پیام قرآن و عدم اختصاص آن به عرب‌زبانان و گسترش ترجمه‌های قرآن به زبان‌های مختلف، لزوم اهتمام به بررسی ترجمه آیات کلام وحی امری ضروری تلقی می‌گردد. حال آنچه در اینجا اهمیت می‌یابد، چگونگی برگردان واژگان چندمعنا به زبان‌های دیگر است. برگردان متن و حیانی قرآن به دیگر زبان‌ها و به‌ویژه ترجمه واژگان چندمعنا، امر خطیری است که برخی تفسیرپژوهان، مواردی همچون مطابق نداشتن برخی از الفاظ عربی در زبان‌های غیرعربی و احتمال پوشیده ماندن معانی الفاظ مشترک بر مترجم را از دلایل عدم جواز ترجمه قرآن برشمرده‌اند. (بهارزاده، ۱۳۷۴: ۶۲)

زبان‌شناس اسکاتلندی به نام کتفورد، مشکل اساسی در فرآیند ترجمه را معادل‌گزینی در زبان مقصد می‌داند. به اعتقاد او در این میان، وظیفه نظریه‌پردازان و ترجمه‌پژوهان، تعیین شرایط و راهکارهای معادل‌گزینی است. (کتفورد، ۱۹۸۳: ۴۴) دشواری این امر در واژگان چندمعنا نمود بارزتری دارد و ابهام حاصل از ابعاد معنایی، مترجم را در دریافت و انتقال معنا در دشواری قرار می‌دهد؛ به‌طوری که در نگاه برخی، بررسی هیچ موضوعی در معناشناسی، به‌ویژه در ترجمه، به اندازه مبحث چندمعنایی دشوار نمی‌نماید. (صفوی، ۱۴۰۰: ۳۲) باید توجه داشت آن‌گاه که موضوع چندمعنایی وارد بحث ترجمه و روابط



بینا‌زبانی می‌شود، موضوع بحث، وجود چندمعنایی در یک زبان و فقدان چندمعنایی مشابه در زبان دیگر است. (پاکتچی، ۱۳۹۷: ۱۸۰)

در رابطه با نگاشته‌های پیشین در این موضوع باید گفت که چند مقاله درباره سوره بلد و چهارمین آیه این سوره نگاشته شده است (برای نمونه بنگرید به: میرزایی، گرامی، اسماعیلی‌زاده، دیوسالار؛ سراسر همه مقالات). با این حال، در هیچ یک از این آثار، چندمعنایی آیه پیش‌گفته و چگونگی برگردان فارسی آن، موضوع بررسی نبوده است. مطالعه پیش‌رو برای حل این مسأله صورت می‌گیرد تا چندمعنایی چهارمین آیه سوره بلد را که ارتباط وثیقی با چندمعنایی واژه «کبد» دارد، به بحث گذارد، سپس برگردان فارسی آیه را از سوی مترجمان مورد بازبینی قرار دهد تا علاوه بر ترسیم یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن و پیشگیری از بروز اشکالاتی در ترجمه، به این پرسش‌ها پاسخ دهد: ۱- مفسران به کدام یک از معانی آیه مورد بررسی اشاره نموده‌اند؟ ۲- عملکرد مترجمان در برگردان فارسی آیه چگونه است؟ ۳- آیا معانی و ترجمه‌های ارائه‌شده با بافت آیه همخوانی دارند؟ ۴- چگونه می‌توان چندمعنایی آیه چهارم سوره بلد را در برگردان فارسی آن منعکس نمود؟

### ۱. ترجمه؛ تعاریف و مبانی

زبان‌شناسان بسته به نگرش خود به مسأله ترجمه، تعاریف مختلفی برای آن ارائه نموده‌اند. یاکوبسن اعتقاد داشت همه‌چیز قابل ترجمه است و ترجمه شامل جانمایی پیام‌ها می‌باشد. بر پایه دیدگاه او، ترجمه دربرگیرنده دو پیام یکسان در دو نشانه متفاوت است. وی ترجمه را دریافت پیام از یک زبان و ضبط و انتقال آن به زبان دیگر می‌داند. از نظر یکی دیگر از زبان‌شناسان به نام کتفورد، معنا یکی از ویژگی‌های زبان است. هر زبانی منحصر به فرد است و معنا قابل انتقال نیست. از این‌رو متن مبدأ و مقصد نمی‌توانند معنای یکسانی داشته باشند. بنابراین در نگاه او، ترجمه به عملیاتی بر روی زبان‌ها تبدیل می‌شود که طی آن، متنی از یک زبان جایگزین متنی در زبان دیگر می‌شود. نایدا و تیر نیز عمل ترجمه را این‌گونه تعریف کردند: «بازسازی پیام متن اصلی به نزدیک‌ترین معادل در زبان مقصد، ابتدا از لحاظ معنا و سپس سبک». (ویلیامز، ۱۳۹۴: ۵۴-۵۷)

از آنجا که ترجمه صحیح و موفق می‌بایست معادل، برابر و همسنگ متن مبدأ باشد، از این‌رو ترجمه ایده‌آل و آرمانی را می‌توان چنین معرفی نمود: «برگردان متنی از زبان

مبدأ به زبان مقصد، بدون کوچک‌ترین افزایش یا کاهش در صورت و معنی». (صفوی، ۱۴۰۰: ۹) وظیفه مترجم، یافتن معادل عناصر متن زبان مبدأ در زبان مقصد است و این به معنای برقراری کامل تعادل و برابری میان دو متن مبدأ و مقصد است. هر چند که تحقق ترجمه بر این اساس، به سبب اختلاف زبان‌ها از جهات گوناگونی همچون آوایی، واژگانی و ساختاری و حتی فرهنگی، عملاً ناممکن و یا بسیار سخت و دشوار می‌نماید، اما می‌تواند معیار و میزانی برای تلاش در جهت تحقق ساختن هر چه بهتر و کامل‌تر این هدف از سوی مترجم قرار گیرد. (میرحاجی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۴۲)

منظور از ترجمه قرآن در این نوشتار، متنی به فارسی از قرآن کریم است که تک‌تک جملات آن به دقت، برگردان آیات قرآن و دارای بیشترین مطابقت و مشابهت با اصل خود، یعنی قرآن کریم باشد، تا کسانی که تنها زبان ترجمه را می‌دانند، هر چه بیشتر خود قرآن را بفهمند. در این دیدگاه که ترجمه برابر قرآن نام دارد، نباید مترجم آن را با انواع شرح‌ها و تفسیرها درهم آمیزد یا بکوشد برگردان ظاهر آیات به گونه‌ای شود که هیچ اشکال کلامی، علمی، فلسفی و غیره متوجه آن نباشد. (کریمی نیا، ۱۴۰۰: ۱۱)

از آنجا که تعریف کار پیش از آغاز ترجمه امری ضروری است، شناخت متن قرآن برای بازآفرینی آن در زبان مقصد اجتناب‌ناپذیر است. هر چند تبیین اوصاف و زوایای مختلف متن وحیانی قرآن مجالی دیگر می‌طلبد، اما باید به مسأله چندمعنایی در آیات قرآن به عنوان یکی از ویژگی‌های آن نظری افکند.

ذو وجوه بودن کلام خداوند و برخوردار بودن از لایه‌های متعدد معنایی، یکی از ویژگی‌های قرآن است که مبنای سنت‌شناختی هم دارد. متن و زبان قرآن به گونه‌ای است که قالب‌های ساده زبانی، در چارچوب اصول و قواعد عربی حاکم بر آن، در خدمت القای پیام‌های متعالی قرار گرفته و از تعبیری سود برده‌اند که هم با نگاه ادبی و ظاهری پیام آنها دریافت شدنی است - چنان‌که نوع مخاطبان و مفسران از آن یاد کرده‌اند - و هم از پایگاه آن، راه کشف مراتب عمیق‌تر و گسترده‌تر معانی آنها گشوده است؛ مراتبی از معنا که ممکن است معاصران نزول و عامه مخاطبان، به آنها توجه نکرده باشند. (اسعدی، ۱۳۹۴: ۱۷۸) از این رو که متکلم، خداوند قادر حکیم است و او می‌توانسته کلام را هر گونه که بخواهد ادا کند، مؤمنان به این باور می‌رسند که اگر در جایی از کلام الهی چندمعنایی دیده می‌شود، این کاربرد نه از روی ناچاری و محصور بودن در قالب



محدودیت‌های زبانی، بلکه از روی حکمت و اغراض حکیمانه بوده است. (پاکتچی، ۱۳۹۷: ۸۱)

صرف نظر از رویکرد ترجمه، شناخت واژگان در این کار اهمیت ویژه‌ای دارد. در گستره واژگان، پنج سنخ از برابری را می‌توان میان واژه‌های زبان مبدأ و مقصد از یکدیگر بازشناخت. «برابری یک به یک»: زمانی است که به‌ازای هر واژه در زبان مبدأ، معادل کاملی در زبان مقصد یافت شود. «برابری یک به چند»: و آن هنگامی است که واژه‌ای در زبان مبدأ را می‌توان به معنای متعددی در زبان مقصد ترجمه نمود، از این رو مترجم در زبان مقصد با انتخاب‌های متعددی روبه‌روست. «برابری چند به یک»: در این گونه چندین واژه در متن مبدأ تنها با یک واژه در متن مقصد ترجمه می‌شوند. «برابری یک به صفر»: و آن یعنی نبود (موقتی) واژه در زبان مقصد. «برابری یک به جزء»: و آن یعنی هر واژه در مقصد تنها گوشه‌ای از معنای واژه مبدأ را می‌رساند. این گونه واژه‌ها در زبان مقصد با یک لغت پوشش معنایی نمی‌یابند، بلکه لازم است بسته به متن، یک یا چند «جزء-برابر» به‌کار رود تا تمامی گوشه‌های این یک واژه بیان شود. (حدادی، ۱۳۸۴: ۴۴-۵۴)

هرچند معادل‌یابی مناسب واژگان در بازسازی متن در زبان مقصد امری ضروری است، اما لزوماً ترجمه برابر را به‌دنبال نخواهد داشت. جایگاه لغات در جمله و بررسی پیوندهای فراجمله‌ای آن، از دیگر عناصری هستند که برای دستیابی به ترجمه مطلوب باید لحاظ گردند. لازم به توجه است که واحد کار مترجم، واژگان و یا جملات مجزا از یکدیگر نیستند، بلکه تمامیت متن است. چنین نگرشی عدم التزام به تک‌واژه‌ها و فهم جمله در پیوند با سایر جملات را سبب می‌گردد. اینکه قرآن‌پژوهان در ادوار مختلف به قصد فهم متن وحیانی قرآن، همواره سیاق کلام را بررسی نموده‌اند، اهمیت نگرش گفته‌شده درباره فهم قرآن را نشان می‌دهد که آغازی بر بازآفرینی‌اش در زبان مقصد است.

در زبان واحد روش‌های گوناگونی وجود دارد که از طریق آن صورت، معنا را بیان می‌کند. تنها وقتی که صورت با معنا یا نقش اولیه خود به‌کار رود، ارتباط یک به یک بین صورت و معنا وجود خواهد داشت. ویژگی «ناهمگونی» یعنی تفاوت یا عدم ارتباط یک به یک میان صورت و معنا، علت اصلی ناهمگونی در ترجمه می‌باشد. اگر اصلاً پیچیدگی وجود نداشت، در این صورت، همه اجزای واژگانی و صورت‌های دستوری تنها یک معنا داشتند و امکان ترجمه تحت‌اللفظی کلمه به کلمه و ساختار دستوری به ساختار دستوری

وجود داشت. اما زبان مجموعه‌ای چند جزئی از ارتباطات ناهمگون میان معنا (معناشناسی) و صورت (واژگان و دستور زبان) است. ترجمه تحت‌اللفظی صورت یک زبان، طبق صورت متناظر آن در زبان دیگر، بیشتر معنا را تغییر می‌دهد، یا حداقل منجر به یک صورت غیر طبیعی در زبان دوم (مقصد) می‌شود. بنابراین در ترجمه، معنا باید بر صورت اولویت داشته باشد. (فتاحی، ۱۳۹۷: ۱۷)

اگر هدف از ترجمه صرف و برابر قرآن کریم به فارسی را دست‌کم ارائه متنی فارسی بدانیم که در تمام اوصاف قرآن - تا حد ممکن - نهایت شباهت به آن را داشته باشد، آن‌گاه رعایت دقت و امانت در ترجمه‌های فارسی قرآن، خود مستلزم به‌کارگیری هرچه بیشتر الگوها و ویژگی‌های زبان فارسی است. باید توجه داشت که در یک ترجمه دقیق و مطابق می‌باید مقتضیات زبان مقصد تا حد امکان به درستی رعایت شود؛ زیرا در غیر این صورت، اساساً ترجمه دقیق و مطابق نیست. (کریمی‌نیا، ۱۴۰۰: ۱۲، ۱۳ و ۳۵) به بیان دیگر، برای انجام یک ترجمه مؤثر، فرد باید معنای زبان مبدأ را کشف کند و از صورت‌هایی در زبان مقصد استفاده کند که بیانگر همین معنا در یک سبک طبیعی باشد. (فتاحی، ۱۳۹۷: ۱۲)

## ۲. گذری بر آرای تفسیرنگاران و مترجمان

از آنجا که هر گونه تلاش در برگردان قرآن کریم نوعی تفسیر تلقی می‌شود، در آغاز، چگونگی عملکرد مفسران در فهم آیه و سپس تأثیرپذیری مترجمان از آن تبیین می‌گردد.

### ۲-۱. تبیین نظرگاه مفسران در تفسیر آیه

بسیاری از مفسران، واژه «کبد» را به معنای مشقت و سختی، و آیه را بر آفرینش انسان در رنج و سختی فهمیده‌اند. (تستری، ۱۴۲۳: ۱۹۴؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۴/۴۹۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۶۶/۳۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۹/۲۷) در تفاسیر، این دیدگاه به اشخاصی همچون ابن عباس، سعید بن جبیر و ابن قتیبه منسوب گشته است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۴۷/۱۰؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴/۴۴۷)

عده‌ای از مفسران کوشیده‌اند برداشت بالا را از طریق دلایل مختلف تقویت نمایند؛ معروف بودن دلالت «فی کبد» بر شدت و مشقت، از جمله این دلایل است. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۲۶/۳۰) بعضی تفسیرنگاران به قصد تبیین سازواری این برداشت با آیات پیشین،



آن را تسلی پیامبر ﷺ به سبب اذیت و آزارهای اهل مکه و ناگزیری نوع انسان از تحمل سختی دانسته‌اند. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۳۱۳/۵؛ سیواسی، ۱۴۲۷: ۳۰۸/۴؛ ابوالسعود، ۱۹۸۳: ۱۶۱/۹) در برخی تفاسیر به روایتی استناد شده که در آن آمده است: «در میان آفریدگان، نظیر انسان را در تحمل سختی‌ها نمی‌شناسم؛ چرا که مصیبت‌های دنیا و سختی‌های آخرت را متحمل می‌گردد». (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۳۲۴/۳۰) بعضی مفسران با وجود اینکه واژه «کبد» را بر سختی معنا نموده‌اند، اما آیه را بر شدت امر و نهی منحصر ساخته‌اند. در این صورت معنا چنین خواهد شد: ما آدمی را خلق کردیم تا در عبادات شاقه، متعبد شده و بداند که دنیا، سرای مشقت و جنت، سرای ریاض است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۴۸/۱۰؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۲۴۹/۱۰)

دسته‌ای دیگر از تفسیرنگاران، واژه «کبد» را بر اعتدال، قائم بودن و «استواء» معنا نموده و آیه را دال بر نوع خلقت انسان دانسته‌اند. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۷۰۱/۴؛ فراء، ۱۹۸۰: ۲۶۴/۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۴۸/۱۰؛ رازی، ۱۴۰۸: ۲۸۲/۲۰) این رأی به اشخاصی نظیر ابن عباس، عکرمه، ضحاک، ابوصالح، عبدالله بن شداد، عطیه و فراء منتسب شده است. (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴۴۷/۴؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۴۸۴/۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۴۸/۱۰) در متون تفسیری عباراتی همانند «هر آنچه خلق شده، سرافکنده راه می‌رود، مگر انسان که راست و ایستاده گام برمی‌دارد» (میبدی، ۱۳۷۱: ۴۹۸/۱۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۴۸/۱۰)، «هر آنچه مخلوق گشته، بر چهار پاست، به‌جز انسان که بر دو پا راه می‌رود» («مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۷۰۱/۴)، و یا «انسان برخلاف سایر جانداران، در شکم مادر راست و عمودی است و در وقت تولد، سرنگون می‌شود» (رازی، ۱۴۰۸: ۲۸۳/۲۰)، گویای برداشت گفته‌شده است. در تفاسیر روایتی منسوب به امام صادق علیه السلام شاهی بر این رأی آمده است. شخصی از امام علیه السلام می‌پرسد: در میان دست‌های چهارپایان نشانی می‌بینیم مانند نشان داغ، دلیلش چیست؟ حضرت فرمودند: آن نشان دو طرف سوراخ بینی آنهاست؛ چه آنکه چهارپایان در شکم مادر سرنگون‌اند و اطراف بینی آنها در میان دست‌های آنها چسبیده و از این جهت، نشانی در آنجا به هم رسیده است؛ برخلاف آدمی که در شکم مادر مستوی القامه و راست می‌باشد. به همین خاطر است که حق تعالی در قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ»؛ و غیر آدمیزاد در شکم مادر، سرشان در پشت و دو دستشان در مقابل است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۳۰/۵؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۵۸۰/۵)



برخی مفسران با وجود اینکه آیه را ناظر به نوع خلقت انسان دانسته‌اند، اما آن را بر مراحل مختلف پیدایش، یعنی نطفه، علقه و مضغه فهمیده‌اند. به نظر می‌رسد این برداشت ریشه در کاربست عبارت «تَكْبَدُ الدَّمَّ» بر غلظت خون دارد. (ماوردی، بی‌تا: ۲۷۶/۶) بنا بر یکی از آراء که از شهرت کمتری برخوردار است، آیه چنین معنا شده است: «ما انسان را با وجود ضعف ترکیب، سخت‌دل و ستر جگر آفریدیم.» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲۰۷/۱۰؛ رازی، ۱۴۰۸: ۲۸۳/۲۰)

عده‌ای از تفسیرنگاران، «کبد» را به معنای بیماری و آیه را بر مرض قلب و فساد باطن انگاشته‌اند. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۵۵/۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۵۱/۱۵) بر این پایه، مقصود از انسان در آیه مورد بحث، اشخاصی‌اند که باری تعالی از بدو آفرینش، بر عدم ایمان و اعراض از اعمال صالح توسط آنان علم داشته است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۵۵/۴)

دیدگاهی دیگر که در تفاسیر دیده می‌شود، آن است که ظرف «فی کبد» به معنای «فی السماء»، و آیه بر آفرینش آدم در آنجا دلالت داشته باشد. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۲۶/۳۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲۰۷/۱۰؛ رازی، ۱۴۰۸: ۲۸۳/۲۰) این رأی به ابن زید منسوب گشته است. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۲۶/۳۰) آنان که واژه «الإنسان» را با عنایت به نظر اکثریت، اسم جنس انگاشته‌اند، به تضعیف این رأی مبادرت نموده‌اند. (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۴۸۱/۱۰) مطابق رأی دیگر، ظرف «فی کبد» به معنای «فی قوه»، و آیه ناظر به فردی قوی جثه معروف به ابوالأشدین است. (میبیدی، ۱۳۷۱: ۴۹۸/۱۰؛ رازی، ۱۴۰۸: ۲۸۲/۲۰)

با وجود اینکه بیشتر مفسران «الإنسان» را اسم جنس دانسته‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۶۷/۳۱؛ رسعی، ۱۴۲۹: ۶۳۱/۸؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ۴۹۸/۱۰؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۴۸۴/۵)، اما برخی آن را اهل شرک انگاشته‌اند و تنی چند از مفسران نیز آن را اشخاصی خاص قلمداد کرده‌اند. آنان که معتقد به دلالت «الإنسان» بر اهل شرک هستند، به سازواری این دیدگاه با آیات پسین استدلال نموده‌اند. به زعم آنان، مقصود از «کبد» در آیه چهارم سوره بلد، رنجی است که به سبب اعتقاد به تعدد آلهه، ملازم اهل شرک گشته است. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۳۱۰/۳۰) بر پایه این دیدگاه، عمومیت واژه «الإنسان» از نوع عموم عرفی و انسان در عرف آن زمان است که مسلمانان در اقلیت و مشرکان در اکثریت قرار داشتند. (همان، ۳۰۹) معتقدان به دلالت واژه «الإنسان» بر مصداقی خاص، افرادی همچون ابوجهل، حارث بن عامر بن نوفل، عمرو بن عبد ود، ولید بن مغیره و ابوالأشدین (اسید بن کله) را در این باره برشمرده‌اند. (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴۴۷/۴؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ۴۹۸/۱۰؛ صدیق



حسن خان، ۱۴۲۰: ۴۶۰/۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۶۳/۲۰) نویسنده تفسیر/التحریر و التنویر چنین نظراتی را فاقد شاهی از روایات صحیح و ناسازگار با قَسَم و سیاق آیات دانسته است (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۳۱۰/۳۰)

۲-۲. مترجمان و برگردان فارسی آیه

در آغاز چگونگی برگردان فارسی واژه «کبد» و نیز آیه چهارم سوره بلد از سوی مترجمان در قالب جدول ارائه می‌گردد و در ادامه، عملکرد آنان در این باره مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۲-۲-۱. گزارش عملکرد مترجمان

جدول شماره ۱: عملکرد مترجمان در برگردان فارسی آیه

مترجمان	معادل واژه کبد	ترجمه آیه
آدینه‌وند	رنج	همانا به تحقیق ما انسان را در رنج آفریدیم (و زندگی او سراسر رنج است)
شعرانی	رنج	که بتحقیق آفریدیم انسان را در رنج.
فولادوند	رنج	براستی که انسان را در رنج آفریده‌ایم.
گرمارودی	رنج	که بی‌گمان انسان را در رنج آفریده‌ایم.
صلواتی	رنج	که ما آدمی را در رنج آفریده‌ایم البته.
مصباح‌زاده	رنج	بتحقیق آفریدیم انسان را در رنج.
مکارم	رنج	که ما انسان را در رنج آفریدیم (و زندگی او پر از رنج‌هاست)
آیتی	رنج و محنت	که آدمی را در رنج و محنت بیافریده‌ایم.
خرم‌دل	رنج و محنت	ما آدمی را برای رنج و محنت آفریده‌ایم (نه برای راحت و آسایش)
الهی قمشه‌ای	رنج و مشقت	که ما انسان را به حقیقت در رنج و مشقت آفریدیم (و به بلا و محنتش آزمونیم)
کاویانپور	رنج و مشقت	که ما انسان را در رنج و مشقت آفریدیم.
مشکینی	رنج و مشقت	که بی‌تردید ما انسان را در رنج و مشقت آفریده‌ایم (کامش توأم با ناکامی و لذا بدش همراه با تلخی است)
انصاریان	رنج و زحمت	همانا ما انسان را در رنج و زحمت آفریدیم.
حجتی	رنج	که ما انسان را در رنج آفریدیم و زندگی او مملو از رنج‌هاست.

۱۵۴

که بیافریدیم انسان را در سختی (و رنج)	سختی و رنج	رهنما
بعزتم سوگند که آفریده‌ایم آدمی را در سختی و رنج.	سختی و رنج	سراج
که آفریدیم آدمی را در سختی و رنج (از ظلمت رحم و صعوبت ولادت و ناتوانی شیرخوارگی و زحمت استاد و مشقت تکلیف و شداید دنیا، که روزی بدون ریزش بلا نگذرد و شامی بدون شامت غصه صبح نگردد. با این ساختمان که توسری خور دوران است با خداوند در ستیزه و طغیان است)	سختی و رنج	یاسری
که آدمی ز ما آفریده رنج است و سختی.	رنج و سختی	عاملی
که محققاً آدمی را در رنج و سختی آفریدیم.	رنج و سختی	فارسی
هر آئینه آفریدیم آدمی را در مشقت.	مشقت	دهلوی
به این چیزها قسم می‌خورم که حقیقتاً ما انسان را در دنیا و آخرت در زحمت و مشقت خلق کرده‌ایم در دنیا از بابت طلب معاش همیشه در مشقت هستند و اگر به خدای تعالی عاصی شوند البته در آخرت هم در مشقت و عذاب خواهند بود. پس انسان نباید در موقع عصیان به خدا عذاب قیامت را منکر شود.	زحمت و مشقت	نوبری
که انسان را در تعادل آفریده‌ایم.	تعادل	طاهری
به‌راستی انسان را در (ژرفای) سختی (اش) به‌درستی آفریدیم؟	سختی و به درستی	صادقی تهرانی
بیافریدیم مردم را در رنج و سختی بر کار ایستاده	رنج و سختی برکار ایستاده	میبدی
علی التحقیق قسم، که ما انسان را در هواء آفریدیم (انسان حدود ۲۴ ساعت بی‌آب و چند روز بی‌نان میتواند زندگانی کند و لیکن بی‌هوا نمی‌تواند زنده بماند)	هوا	بلاغی

عملکرد مترجمان در برگردان فارسی آیه را می‌توان اولاً از منظر توجه به معادل‌یابی «کبد» و سعی در انعکاس چندمعنایی آن در ترجمه، و ثانیاً از جهت اسلوب نگارش به بحث گذارد.



## ۲-۲-۲. عملکرد مترجمان در معادل‌یابی «کبد»

چگونگی معادل‌یابی واژه «کبد» به‌عنوان یکی از واژگان چندمعنا در قرآن کریم، راهکارهای متفاوتی را از سوی مترجمان نشان می‌دهد. ترجمه این واژه به رنج و سختی در میان ترجمه‌ها از فراوانی بیشتری برخوردار است. این موضوع عنایت ترجمه‌نگاران به معنای مشهورتر و ذکر وجه غالب در معانی را نشان می‌دهد. عباراتی همچون: «به‌راستی که انسان را در رنج آفریده‌ایم» (فولادوند، ۱۴۱۸: ۵۹۴)، «که بی‌گمان انسان را در رنج آفریده‌ایم» (گرمارودی، ۱۳۸۴: ۵۹۴)، «که آدمی را در رنج و محنت بیافریده‌ایم» (آیتی، ۱۳۷۴: ۵۹۴)، برگردان آیه از سوی مترجمانی است که در معادل‌یابی واژه کبد، متأثر از چنین رویکردی بوده‌اند.

برخلاف مترجمانی که در فرآیند ترجمه به معنای مشهورتر نظر داشته‌اند، برخی از آنان معانی دیگری را معادل واژه «کبد» قرار داده‌اند. طاهری آیه را چنین ترجمه می‌کند: «که انسان را در تعادل آفریده‌ایم.» (طاهری، ۱۳۸۰: ۵۹۴) بلاغی معنایی را به‌جای واژه «کبد» می‌گذارد که از شهرت کمتری برخوردار است و البته با ذکر افزوده‌هایی، به تبیین معنای برگزیده‌اش می‌پردازد: «علی‌التحقیق قسم، که ما انسان را در هواء آفریدیم (انسان حدود ۲۴ ساعت بی‌آب و چند روز بی‌نان می‌تواند زندگانی کند و لیکن بی‌هوا نمی‌تواند زنده بماند).» (بلاغی، ۱۳۸۶: ۲۳۰/۷)

بررسی برخی ترجمه‌ها، توجه به چندمعنایی واژه «کبد» و معادل‌سازی دو معنا به‌جای تک‌واژه «کبد» را نشان می‌دهد. در ترجمه صادقی تهرانی با چنین رویکردی، آمده است: «به‌راستی انسان را در (ژرفای) سختی (اش) به‌درستی آفریدیم.» (صادقی تهرانی، ۱۳۸۸: ۴۵۹/۵)

## ۲-۲-۳. بررسی عملکرد مترجمان در اسلوب نگارش

افزون بر نحوه معادل‌یابی واژه «کبد» نزد مترجمان فارسی‌زبان، برگردان آیه را می‌توان از نظر رعایت اسلوب نگارش نیز بررسی کرد. آنچه در بسیاری از ترجمه‌ها قابل رؤیت است، برگردان لفظ به لفظ واژگان کار بسته آیه و التزام به ساختارهای نگارش زبان عربی است. عبارات «هر آینه آفریدیم آدمی را در مشقت» (دهلوی، بی‌تا: ۱۳۶۰)، «بیافریدیم مردم را در رنج و سختی بر کار ایستاده» (میبدی، ۱۳۷۱: ۴۹۵/۱۰) و «به تحقیق آفریدیم انسان را در رنج» (مصباح‌زاده، ۱۳۸۰: ۵۹۴)، نمونه‌هایی از روش پیش‌گفته هستند.

مؤکدسازی جملات با ادوات تأکید در زبان عربی و تمایز آن با زبان فارسی، از دیگر مواردی است که ساختار نامأنوس فارسی را رقم می‌زند. آدینه‌وند معادل فارسی آیه را چنین می‌نویسد: «همانا به تحقیق ما انسان را در رنج آفریدیم (و زندگی او سراسر رنج است)». (آدینه‌وند، ۱۳۷۷: ۱۱۴۳) جمله «علی التحقیق قسم، که ما انسان را در هواء آفریدیم» (بلاغی، ۱۳۸۶: ۲۳۰/۷) از سوی مترجمی دیگر نیز متأثر از چنین رویکردی است.

از دیگر مسائل قابل توجه در برخی ترجمه‌ها، قید و واژه‌ای در زبان مقصد است که در زبان مبدأ دیده نمی‌شود. سخن از «عزت خداوند» در عبارت «بعزتم سوگند که آفریده‌ایم آدمی را در سختی و رنج» (سراج، ۱۳۹۰: ۵۹۴)، شاهدی بر این موضوع است. فاصله‌گیری از ترجمه و سوق به شرح آیه نیز مسأله‌ای است که در برخی آثار مشاهده می‌شود. (نوبری، ۱۳۹۶: ۵۳۴)

### ۳. فهم آیه با تکیه بر فرضیه چندمعنایی

مقصود از چندمعنایی آن است که یک لفظ در یک بار استعمال و در یک متن مشخص، مفید معانی متعدد و مختلف باشد و بتوان همه آن معانی را به آن واژه اختصاص داد. (امیدعلی و خلیلی، ۱۳۹۶: ۴۰) بر پایه این تعریف، اگر واژه‌ای دارای معانی متعددی باشد که در هر یک از موارد استعمال و با توجه به بافت کلام، بر معنای مشخصی دلالت نماید، از مبحث چندمعنایی خارج می‌گردد.

مهم‌ترین مبنا درباره چندمعنایی، وجود معانی متعدد برای الفاظ است و اصلی‌ترین و نخستین معیار تعدد معنا و موضوع چندمعنایی، وجود الفاظ مشترک در لغت و زبان است. ساده‌ترین تعریف برای مشترک لفظی آن است که هر لفظی که دارای معانی متعدد باشد، آن را مشترک لفظی خوانند. این تعریف از سخن سیبویه و برخی دانشمندان پس از وی در باب رابطه لفظ و معنا استفاده شده است. (طیب‌حسینی، ۱۳۹۵: ۸۹) از دیگر زمینه‌های چندمعنایی، وجود معانی مجازی یک لفظ در کنار معنای حقیقی آن است. کنایه و تعریض هم از دیگر مجاری چندمعنایی به‌شمار می‌روند. از نظر برخی اصولیان شیعه، یکی از مباحث مرتبط با چندمعنایی، وجود معانی باطنی در قرآن است. به‌نظر این گروه، معانی باطنی آیات، معنایی مستقل به‌شمار می‌روند که در کنار معنای ظاهری آیه، به چندمعنایی یا استعمال الفاظ قرآن در بیش از یک معنا منتهی می‌شود. (برای آشنایی بیشتر با هر یک



از تعاریف گفته شده و نمونه‌های قرآنی مربوط به آن بنگرید به: طیب‌حسینی، ۱۳۹۵: ۸۸-۱۵۰)

برگردان هر متنی از دو فرآیند خواندن و درک متن در زبان مبدأ و بازنویسی و فهماندن متن در زبان مقصد تشکیل شده و فهمیدن متن بر فهماندن آن مقدم است (شاهسوندی، ۱۳۸۴: ۵)، از این رو در این نوشتار تلاش می‌شود تا با بررسی دقیق‌تر آیه و فضای سوره، گام نخستین، یعنی فهم روشمند آن محکم‌تر برداشته شود.

### ۳-۱. بررسی عوامل مؤثر بر فرضیه چندمعنایی

عوامل متعددی زمینه بروز چندمعنایی را فراهم می‌سازد. در سطح عوامل متنی، چندمعنایی را می‌توان در سطوح مختلفی چون تک‌واژ، واژه، گروه و جمله مورد بررسی قرار داد. (صفوی، ۱۳۹۷: ۱۱۱)

#### ۳-۱-۱. اشتراک لفظی ماده «کبد»

فهم آیه «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» بیش از هر چیز، با فهم کلیدواژه «کبد» پیوند می‌خورد. به نظر می‌رسد واژه «کبد» در آیه چهارم سوره بلد، مشترک لفظی<sup>۱</sup> و از چندمعنایی برخوردار باشد. صاحب معجم مقاییس اللغة، اصل این ماده را شدت در شیء و قوت (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۵۳/۵)، و مؤلف التحقیق فی کلمات القرآن، اصل واحد را تحمل مشقت و عمل توأم با زحمت و دشواری می‌داند. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۵/۱۰) اهل لغت عموماً واژه «کبد» را به مشقت و سختی معنا نموده‌اند. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۵۳/۵؛ راغب، ۱۴۱۲: ۶۹۵) استواء و استقامت، معانی دیگر آن در کتب لغت است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۷۶/۳؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۲۱۶/۵ و ۲۱۸) کاربرد «کبد» در عبارت «كَبَدُ السَّمَاءِ» به معنای وسط آسمان، معنای وسط و میان برای این واژه را می‌رساند. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۷۵/۳؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۲۱۶/۵) واژه پژوهان به تبع تعدد معانی واژه «کبد»، ظرف «فی کبد» را بر آمیختگی زندگی انسان با سختی و یا «منتصباً معتدلاً» معنا نموده‌اند. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۷۶/۳؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۲۱۶/۵)

#### ۳-۱-۲. بررسی عوامل چندمعنایی در سطح جمله

چگونگی چینش واژگان در کنار یکدیگر و ساختار نحوی جمله، از عوامل ظهور دلالت آیه بر یک معنا و یا بروز چندمعنایی است. بیان آیه مورد بحث به گونه‌ای است که

وجوه گوناگونی را برمی‌تابد؛ زیرا ساختار جمله و نوع همنشینی واژگان، موجب ظهور دلالت آیه بر معنایی واحد نمی‌گردد.

در کنار گفتار لغت‌نگاران که چندمعنایی واژه «کبد» را تأیید می‌کند، از توجه به سیاق واژگان و ساختار جمله، می‌توان برداشت معنایی آفرینش انسان در رنج و سختی، برخوردارای او از خلقتی متناسب و حتی آفرینش انسان در آسمان (با احتمال عامل حذف و مفروض دانستن واژه «سما»)) را قابل توجه دانست. از این رو گامی دیگر در فرآیند دانستن معنا، بررسی بافت کلام به قصد ارزیابی سازواری هر یک از معانی محتمل با آن است.

### ۲-۳. تبیین وجوه معنایی آیه با رویکرد سازواری با سیاق

از مباحث مهم در تفسیر کلام خداوند متعال، دلالت‌های چندگانه الفاظ یا چندمعنایی است. پدیده چندمعنایی از دشواری‌های پیش روی مترجم است و او باید واژگان چندمعنا را درون بافت و با توجه به بافت دریابد. توجه به بافت و سیاق در کشف معانی، از موضوعاتی است که علاوه بر معناشناسان، اندیشمندان حوزه قرآن کریم و به‌ویژه مفسران در تفسیر به آن توجه ویژه نموده‌اند. نظریه بافت از روش‌های نوین معناپژوهی است که جایگاهی ویژه را در پژوهش‌های زبانی به خود اختصاص داده است. (امیدعلی و خلیلی، ۱۳۹۶: ۴۵)

مقصود از سیاق (بافت)، سیر کلی یک جمله یا مجموعه‌ای از جمله‌هاست که از رهگذر آن، مفهوم خاصی به هم می‌رسد. جریان کلی یک جمله به الفاظی که در آن به کار رفته، جهت معنایی خاص می‌بخشد و جریان کلی مجموعه یک متن، به هر یک از جمله‌هایی که در آن آمده، جهت مفهومی ویژه‌ای می‌دهد. از این رو نه می‌توان یک لفظ را جدای از جمله‌اش معنا کرد، و نه یک جمله را جدای از مجموعه‌ای که در آن قرار دارد. (نجار، ۱۳۸۱: ۶۲)

### ۱-۲-۳. تبیین بافت سوره

از ملاک‌های ارزیابی فهم آیات، سنجش آن با سیاق سخن است. به این منظور، تحلیل محتوای سوره بلد و تبیین محورهای موضوعی آن ضروری به نظر می‌رسد.



نخست لازم به توجه است که می‌توان آیات را بر پایه موضوع و محور سخن دسته‌بندی کرد. در آیات آغازین سوره بلد، پس از سه سوگند متوالی، چهارمین آیه (لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ) در جایگاه جواب قسم‌ها آمده است. در آیات ۵-۷، سخن از انگاره‌های باطل انسان است؛ انگاره‌ها و تصوراتی که به‌نظر می‌رسد از آفرینش خاص او در مقابل سایر مخلوقات سرچشمه می‌گیرد و همین امر سبب می‌شود که نوع انسان، خود را محور عالم و خارج از دایره سنن و نظارت پروردگار ببیند. آیات ۸-۱۷ در جهت رفع تصورات باطل آدمی، از اعطای خلقت متناسب او توسط خداوند (۸-۹) و لوازم آفرینشی این گونه، یعنی نیازمندی به هدایت (۱۰) و پذیرش رنج‌ها (۱۱-۱۷) سخن می‌گوید. موضوع آیات سه‌گانه پایانی، پیامد اعمال انسان‌هاست که ریشه در جهت‌گیری متفاوت آنها دارد.

جدول شماره ۲: سیاق پیش‌نهادی برای سوره بلد

آیات	محور اصلی بحث	محورهای فرعی
۱-۴	مقدمه	ذکر چند سوگند و جواب قسم‌ها
۵-۷	انگاره‌های باطل انسان	سیطره خداوند بر انسان، تصور آدمی در تباهی اموال، نظاره و آگاهی پروردگار
۸-۱۷	مظاهر خالقیت و ربوبیت خداوند درباره انسان	خلقت متناسب انسان، هدایت الهی، آمیختگی هدایت انسان با رنج
۱۸-۲۰	پیامد اعمال	پیامد اعمال نیکان و بدکاران

دو موضوع اصلی خلقت متناسب و پذیرش رنج پس از جواب قسم‌ها با نظر داشت معانی لغوی، ساختار جمله و بافت آیات، تبیین وجوه معانی جواب قسم‌ها و ردکننده فرض آفرینش انسان در آسمان<sup>۲</sup> خواهد بود. مفهوم آمیختگی زندگی انسان با رنج، آن‌گونه که مفسران بدان پرداخته‌اند، معنای مشهور واژه «کبد» است که البته با سیاق آیات نیز همخوانی دارد. لازم به توجه است بر پایه سیاق، «کبد» منحصر به رنج‌های بعد غیر جسمانی نیست، بلکه با سختی‌ها و رنج‌های بعد جسمانی نیز هم‌پوشانی دارد. سخن از اطعام در روز گرسنگی به‌عنوان یکی از مصادیق رنج‌ها در آیات بعدی (بلد: ۱۴)، تأییدی بر این نظر است.



برخورداری انسان از خلقتی متناسب نیز افزون بر ارتباط با آیاتی که به صراحت از آفرینش خاص او سخن می‌گویند، با آیات پنجم تا هفتم نیز ارتباطی ویژه دارد؛ زیرا آفرینشی چنین بایسته، می‌تواند سبب فریفتگی انسان و تقابل با آفریننده گردد. این موضوع شباهت معنایی آیه را با آیاتی نظیر «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَزَمَكُمُ الْكِرِيمُ \* الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ \* فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ» (انفطار: ۶-۸) فراهم می‌سازد. حال آنکه انتظار می‌رود چنین خلقتی اختیار مسیر هدایت را رقم بزند؛ «أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (ملک: ۲۲). در حقیقت به دنبال آیه چهارم، از عوامل زمینه‌ساز برای مواجهه انسان با پیامد اعمال که موضوع آیات پایانی است، سخن می‌رود. توجه به محورهای موضوعی و ارتباط آنان با یکدیگر می‌تواند چنین برداشت و استنتاجی از مجموعه آیات را به همراه داشته باشد؛ زیرا اولاً انسان از جانب باری تعالی برای دریافت هدایت الهی و طی مسیر، از آفرینشی درخور بهره‌مند گشته است، ثانیاً تکلیف آدمی، اختیار مسیر صحیح و پذیرش رنج‌های آن است.

خدای تعالی که عالم به همه موجودات و خواص اشیاست، بر همه چیز احاطه دارد. این علم و احاطه الهی بر الفاظ یک زبان و همه خاصیت‌های آوایی و معنایی آن نیز جاری است. از این رو هنگامی که ذات حق، مجموعه الفظی را در قالب یک کلام صادر می‌کند، قادر است واژه‌ها و ترکیب‌هایی را گزینش کند که هم‌زمان بیانگر چند معنا بوده و همه معانی مقصود او نیز باشد؛ هرچند مخاطب سخن خدا به دلیل محدودیتی که دارد، نتواند به‌طور هم‌زمان، همه آن معانی و یا بیش از یک معنا از معانی مراد خدا را بفهمد. (طیب حسینی، ۱۳۹۵: ۸۰) بنابراین اولاً با توجه به معانی لغوی واژگان و ساختار جمله، دو معنا برای آیه مطرح شده که سیاق آیات در سوره نیز وجوه معانی مذکور را برمی‌تابد. ثانیاً به دلیل عدم وجود تعارض میان معانی ارائه‌شده با یکدیگر، با کلیت متن و با معارف مسلم دینی، می‌توان همه آنها را به‌عنوان مراد پروردگار پذیرفت. ثالثاً آن‌گاه که این معانی به‌عنوان مراد خداوند متعال مورد پذیرش قرار گیرند، انعکاس آن در ترجمه ضروری به‌نظر می‌رسد.

#### ۴. برگردان فارسی آیه؛ نکته‌ها و پیشنهادها

گام دوم که پس از فهمیدن متن (گام اول) تحقق می‌یابد، ترجمه و ضرورت حفظ معنای متن در آن است. ناگفته پیداست در متنی همچون قرآن با ساختار متعالی و خاص،



هرگونه برگردانی نسبت به کلام وحی، افت خواهد داشت و بسیاری از ظرایف کلام منتقل نخواهد شد، پس به ناچار مترجم می‌باید در صدد نزدیک‌سازی زبان مبدأ به زبان مقصد برآید. به نظر می‌رسد رویکرد مقتضی در متون وحیانی که چندمعنایی ناشی از اغراض حکیمانه باری تعالی است، می‌باید حفظ و صیانت چندمعنایی و گزینش تعبیری باشد که تا حد ممکن، در اصل چندمعنایی و حتی میزان چندمعنایی با عبارت مبدأ همسانی داشته باشد و در صورت نبودن چنین تعبیری در زبان مقصد، از آوردن معانی هم‌ارز به‌طور موازی گریزی نیست. (پاکتچی، ۱۳۹۷: ۸۲)

بررسی ترجمه‌های آیه مورد نظر بیانگر عدم توجه کافی بسیاری از مترجمان به اصل «تبادل ترجمه‌ای» است؛ به‌گونه‌ای که از میان معانی واژه «کبد»، بیشتر به انتقال معنای معجمی و اولیه آن پرداخته‌اند. با وجود تنگناهای پیش روی مترجم در برگردان متن وحیانی قرآن و به‌ویژه در انعکاس چندمعنایی، حتی‌المقدور ترجمه باید رسالت خویش را در انتقال معنا به انجام رساند؛ در حالی که رنج، بیانگر وجه معنایی اولیه و ظاهری از واژه کبد است و چندمعنایی واژه کبد را انتقال نمی‌دهد. بنابراین اشاره صرف به آفرینش انسان در رنج که رویکرد بسیاری از مترجمان بوده، به ترجمه‌ای ناقص می‌انجامد. در این میان، عملکرد مترجمانی که دو مترادف نزدیک را معادل «کبد» قرار داده‌اند نیز دوری از ترجمه برابر است؛ زیرا ضرورتی در باهم‌آیی «رنج و محنت»، «رنج و مشقت»، «رنج و زحمت»، «رنج و سختی» و «زحمت و مشقت» به سبب مترادف نیست. عدم ضرورت معادل‌گزینی واژگان دوگانه پیشین در مقابل تک‌واژه «کبد» آن‌گاه تقویت می‌گردد که لغت‌نگاران و ادیبان فارسی‌زبان، واژه رنج را بر آلام جسمانی و غیرجسمانی ناظر دانسته‌اند.

افزون بر آنچه درباره راهبرد مناسب انعکاس چندمعنایی در برگردان فارسی آیه چهارم سوره بلد و عملکرد مترجمان گفته شد، بررسی ترجمه‌ها در اسلوب نگارش فارسی نیز با کاستی‌هایی همراه است. بررسی ترجمه‌ها در سبک نگارش گاه التزام به ساختارهای عربی و نه ساخت‌های زبان فارسی را نشان می‌دهد. قرارگیری فعل در آغاز جمله و یا درج عبارات تأکید، مانند «همانا به تحقیق» و «علی‌التحقیق قسم» که در مباحث پیشین از آن سخن رفت، با چنین مشکلی مواجه است؛ حال آنکه شایسته است مترجم، متن را با پرهیز از ورود ساخت‌های صوری و معنایی نامأنوس به زبان مقصد ترجمه نماید.

تفاوت‌های زبانی، محدودیت‌گزینشی مترجم در انتخاب معادل و البته عدم امکان معادل‌سازی یک‌به‌یک در برگردان فارسی چهارمین آیه سوره بلد، کاربست معانی موازی در زبان مقصد را به‌منظور صیانت از چندمعنایی آن می‌طلبد.

به جز راهکار پیش‌گفته در صیانت از چندمعنایی آیه در فرآیند ترجمه، و باوجود اینکه برخی اندیشمندان معاصر، حروفی چون «لام» در ساخت جملات جواب قسم را ادواتی برای ایجاد نوعی ارتباط و صرفاً با کارکردی زبانی و نه اغراض و مقاصد نحوی و بلاغی دانسته‌اند (کریمی‌نیا، ۱۴۰۰: ۶۰-۶۲)، به‌نظر می‌رسد اسلوب مقتضی در برگردان تأکیدات متعدد در جمله مورد بحث، کاربرد یکی از واژگان متداول در زبان مقصد است که این حتمیت و قطعیت را می‌نمایاند؛ زیرا تأکیدات گفته‌شده می‌تواند دلالت بر حکمت باری در گزینش چنین ساختاری داشته باشد. توضیح آنکه سخن از حتمیت خلقت متناسب و متعادل انسان از سوی آفریننده متعال، ابطال‌کننده هر گونه تصویری در ناتوانی انسان و یا ناکارآمدی آفرینش او در انتخاب و طی مسیر هدایت در این دنیاست و سوگند به آمیختگی زندگی انسان با رنج نیز ردکننده انگاره فراغت از رنج در زندگی دنیوی و هدایت می‌باشد.

در آغاز نوشتار از پنج نوع برابری در گستره واژگان سخن رفت. از آنجا که در زبان فارسی واژه‌ای یافت نشد که به‌تنهایی هر دو معنای تک‌واژه «کبد» را منعکس کند، ازاین‌رو مترجم در برگردان آن، با «برابری یک به جزء» مواجه است. این نوع از برابری، ضرورت معادل‌سازی دو واژه را به‌جای آن سبب می‌گردد. با نظر داشت نکاتی که به آنها اشاره شد، پیشنهاد نگارنده در ترجمه آیه چنین است: «قطعاً ما انسان را موزون و در رنج آفریدیم». آن گونه که پیش‌تر در تعریف ترجمه برابر گفته شد، در چنین رویکردی، مترجم در پی آن نیست که به چالش‌های متعدد ذهنی خواننده پاسخ گوید. برای مثال، نظریات مختلفی درباره رنج و لذت در زندگی انسان وجود دارد که تبیین و حل آنها بر عهده مترجم نیست.

### نتیجه‌گیری

مفسران چهارمین آیه سوره بلد را به معانی مختلفی فهمیده‌اند و رویکرد غالب در تفاسیر، گزینش معنای مشهورتر واژه «کبد» است. این مسأله در برگردان فارسی آیه از سوی مترجمان نیز دیده می‌شود. مهم‌ترین عامل نقش‌آفرین در تعدد نظرگاه‌ها، اشتراک



لفظی واژه «کبد» است؛ البته ساختار نحوی جمله و سیاق آیات نیز چندمعنایی جواب قسم‌ها را برمی‌تابد.

چندمعنایی آیه مورد بحث، ضرورت کشف معنا در خلال بافت را به‌منظور شفافیت معنایی می‌طلبد. سیر کلام و سخن از دو موضوع محوری آفرینش موزون و رنج و سختی در آیات پسین، تقویت‌کننده دلالت واژه «کبد» بر هر دو معناست.

پس از گام اول یعنی فهم آیه، از مهم‌ترین چالش‌ها در برگردان آیه که عبارتی چندمعناست، یافتن معادلی مطابق و یا نزدیک‌ترین معادل موجود در زبان مقصد به‌ازای واژگان قرآنی است. برگردان فارسی آیه چهارم سوره بلد به سبب دلالت لفظ واحد «کبد» بر معانی متعدد و عدم یافت چنین معادلی در زبان مقصد، محدودیت مترجم در معادل‌یابی یک‌به‌یک را در پی دارد. از این‌رو التزام به ذکر معانی موازی که سازگار با معانی لغوی واژگان، ساختار نحوی آیه و سیاق آیات باشد، رهیافت مناسب‌تری در ترجمه فارسی آیه و منعکس‌کننده چندمعنایی آن خواهد بود.

### پی‌نوشت‌ها

- ۱- هر واژه‌ای که در زبان کاربرد دارد، دارای معنای حقیقی خواهد بود و چنانچه برای یک لفظ چند معنای حقیقی وجود داشته باشد، آن را مشترک می‌خوانند. (طیب‌حسینی، ۱۳۹۵: ۱۱۱)
- ۲- آفرینش انسان در آسمان، معنایی است که در برخی ترجمه‌های انگلیسی نیز دیده می‌شود؛ در ترجمه صفارزاده آمده است:

"Verily, We created man [ `Adam ]in The space[somewhere between the sky And the earth.]"

در ترجمه پیکتال نیز چنین برگردانی مشاهده می‌شود:

"We verily have created man in an atmosphere."

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آدینه‌وند، محمدرضا (۱۳۷۷)، کلمة الله العليا، تهران: نشر اسوه.
۳. آلوسی، محمودین عبدالله (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، تحقیق علی عبدالباری عطیة، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۴. آیتی، عبدالمحمد (۱۳۷۴)، ترجمه قرآن، تهران: نشر سروش.
۵. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق)، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق عبدالرزاق مهدی، بیروت: دارالکتب العربی.
۶. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق)، التحریر و التنویر، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
۷. ابن عطیة، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۸. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، بی‌جا: مکتبة الاعلام الاسلامی.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دارالفکر.
۱۰. ابوالسعود، محمد بن محمد (۱۹۸۳)، تفسیر ابی السعود (ارشاد العقل السلیم الی مزیای القرآن الکریم)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. اسعدی، محمد (۱۳۹۴)، سایه‌ها و لایه‌های معنایی، قم: بوستان کتاب.
۱۲. اسماعیلی زاده، عباس (۱۳۹۳)، «معنای «نجد» و «نجدین» و مراد آیة (و هدیانه النجدین)»، آموزه‌های قرآنی، سال یازدهم، شماره ۱۹، ص ۱۳۱-۱۵۴.
۱۳. الهی قمشه‌ای، مهدی (۱۳۸۰)، ترجمه قرآن، قم: فاطمة الزهراء.
۱۴. امیدعلی، احمد؛ خلیلی فاطمه (۱۳۹۶)، «بررسی واژگان چندمعنا و اهمیت آن در ترجمه بر اساس بافت»، مطالعات ادبی متون اسلامی، سال دوم، شماره ۸، ص ۳۹-۶۰.
۱۵. اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، البحر المحیط، بیروت: دارالفکر.
۱۶. انصاریان، حسین (۱۳۸۳)، ترجمه قرآن، قم: اسوه.
۱۷. بلاغی، عبدالحجة (۱۳۸۶)، حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، قم: نشر حکمت.
۱۸. بهارزاده، پروین (۱۳۷۸)، «ترجمه پذیر قرآن کریم»، بینات، شماره ۲۴، ص ۵۲-۷۴.
۱۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، أنوارالتزیل و اسرار التأویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۰. پاکتچی، احمد (۱۳۹۷)، ترجمه شناسی قرآن کریم، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۲۱. پیکتال، محمد مارمادوک (بی‌تا)، ترجمه قرآن، نیویورک: بی‌نا.
۲۲. تستری، سهل بن عبدالله (۱۴۲۳ق)، تفسیر التستری، تحقیق عیون سود و محمد باسل، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲۳. ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، الکشف و البیان، تحقیق ابی محمد ابن عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی.



۲۴. جی. سی. کتفورد (۱۳۹۳)، نظریه لغویة فی الترجمة، ترجمه عبدالباقی مافی، بصره: مطبعة دارالکتب.
۲۵. حجتی، مهدی (۱۳۸۴)، گلی از بوستان خدا (ترجمه قرآن)، قم: بخشایش.
۲۶. حدادی، محمود (۱۳۸۴)، مبنای ترجمه، تهران: رهنما.
۲۷. خرم‌دل، مصطفی (۱۳۸۴)، تفسیر نور، تهران: احسان.
۲۸. دهلوی (شاه ولی الله)؛ احمدبن عبدالرحیم (بی‌تا)، ترجمه قرآن، سراوان: انتشارات کتابفروشی نور.
۲۹. دیوسالار، فرهاد (۱۳۹۶)، «واکاوای ساختار آیات الأقسام در قرآن کریم و چالش‌های فراروی ترجمه آن (نمونه موردی: سوره بلد در ترجمه آیتی، فولادوند، الهی قمشه‌ای، تفسیر المیزان، تفسیر مجمع‌البیان، تفسیر نمونه و تفسیر نور)»، مطالعات نقد ادبی، دوره ۱۲، شماره ۴۵، ص ۳۱-۶۲.
۳۰. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان، تصحیح محمد مهدی ناصح و همکاران، مشهد: آستان قدس رضوی.
۳۱. رازی، فخرالدین محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالقلم.
۳۳. رسعی، عبدالرزاق (۱۴۲۹ق)، رموز الكنوز فی تفسیر الكتاب العزیز، تحقیق عبدالملک ابن دهیش، مکه: مکتبة الاسدی.
۳۴. رهنما، زین‌العابدین (۱۳۵۴)، قرآن مجید با ترجمه و جمع‌آوری تفسیر، تهران: سازمان اوقاف.
۳۵. زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر.
۳۶. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، تصحیح مصطفی حسین احمد، بیروت: دارالکتب العربی.
۳۷. سراج، رضا (۱۳۹۰)، ترجمه قرآن، تهران: سازمان چاپ دانشگاه.
۳۸. سیواسی، احمد بن محمود (۱۴۲۷ق)، عیون التفاسیر، تحقیق بهاء‌الدین دارتما، بیروت: دار صادر.
۳۹. شاهسوندی، شهره (۱۳۸۴)، «ترجمه پذیري قرآن؛ میان نفی و اثبات»، پژوهش‌های قرآنی، دوره ۱۱، شماره ۴۴، ص ۵-۲۵.
۴۰. شعرانی، ابوالحسن (۱۳۷۴)، قرآن مجید با ترجمه فارسی و خواص سوره‌ها و آیات، تهران: اسلامیه.
۴۱. صادقی‌تهرانی، محمد (۱۳۸۸)، ترجمان فرقان: تفسیر مختصر قرآن کریم، قم: نشر شکرانه.
۴۲. صادقی‌تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
۴۳. صدیق حسن خان، محمد صدیق (۱۴۲۰ق)، فتح البیان، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۴۴. صفارزاده، طاهره (۱۳۸۰)، ترجمه قرآن کریم، تهران: مؤسسه فرهنگی جهان‌رایانه کوثر.
۴۵. صفوی، کوروش (۱۳۹۷)، درآمدی بر معنی‌شناسی، تهران: انتشارات سوره مهر.
۴۶. صفوی، کوروش (۱۴۰۰)، هفت گفتار درباره ترجمه، تهران: نشر مرکز.
۴۷. صلواتی، محمود (۱۳۸۷)، ترجمه قرآن، تهران: مبارک.

۴۸. طاهری، علی اکبر (۱۳۸۰)، ترجمه قرآن، تهران: نشر قلم.
۴۹. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق)، جوامع الجامع، تصحیح ابوالقاسم گرچی، قم: انتشارات حوزه علمیه.
۵۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان، تهران: ناصر خسرو.
۵۱. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
۵۲. طیب حسینی، محمود (۱۳۹۵)، چند معنایی در قرآن کریم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵۳. عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰)، تفسیر عاملی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: صدوق.
۵۴. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، تصحیح هاشم رسولی، قم: نشر اسماعیلیان.
۵۵. فارسی، جلال الدین (۱۳۶۹)، ترجمه قرآن، تهران: انجام کتاب.
۵۶. فتاحی، اعظم (۱۳۹۷)، اصول و مبانی نظری ترجمه، تهران: طلایی پویندگان دانشگاه.
۵۷. فراء، یحیی بن یزید (۱۹۸۰)، معانی القرآن، تحقیق محمد علی نجار، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
۵۸. فولادوند، محمد مهدی (۱۴۱۸ق)، ترجمه قرآن، تهران: انتشارات دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۵۹. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر.
۶۰. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۶۱. کاشانی، ملا فتح الله (۱۳۳۶)، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی.
۶۲. کاویان پور، احمد (۱۳۷۲)، ترجمه قرآن، تهران: اقبال.
۶۳. کریمی نیا، مرتضی (۱۴۰۰)، ساختهای زبان فارسی و مسأله ترجمه قرآن، تهران: نشر هرمس.
۶۴. گرامی، غلامحسین (۱۴۰۰)، «بررسی و نقد نظریه رنجمندی انسان با تأکید بر تحلیل آیه چهارم سوره بلد»، انسان پژوهی دینی، شماره ۴۵، ص ۲۹-۴۹.
۶۵. گرمارودی، علی (۱۳۸۴)، ترجمه قرآن، تهران: نشر قدیانی.
۶۶. ماوردی، علی بن محمد (بی تا)، النکت و العیون، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۶۷. مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۸۱)، ترجمه قرآن، قم: الهادی.
۶۸. مصباح زاده، عباس (۱۳۸۰)، ترجمه قرآن، تهران: انتشارات بدرقه جاویدان.
۶۹. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۷۰. مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق عبد الله محمود شحاته، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۷۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۷۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳)، ترجمه قرآن، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۷۳. میبدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱)، کشف الاسرار و عدة الأبرار، تهران: امیر کبیر.



۷۴. میرحاجی، حمیدرضا و همکاران (۱۳۹۰)، «کاربردشناسی اصل تعادل ترجمه‌ای واژگان در فرآیند ترجمه قرآن»، مجله ادب عربی، سال سوم، شماره ۴، ص ۱۳۷-۱۶۴.
۷۵. میرزایی، وحید و همکاران (۱۳۹۹)، «سبک‌شناسی سوره البلد (سطح آوایی، واژگانی، نحوی)»، مطالعات سبک‌شناسی قرآن کریم، سال سوم، شماره ۲، ص ۱۲۱-۱۴۱.
۷۶. نجار، علی (۱۳۸۱)، اصول و مبانی ترجمه قرآن، رشت: نشر مبین.
۷۷. نوبری، عبدالمجید (۱۳۹۶)، ترجمه قرآن، تهران: نشر اقبال.
۷۸. نهیرات، احمد؛ محمدیان، عباد (۱۳۹۲)، «نگرشی به نظام چندمعنایی در قرآن کریم»، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، سال دوم، شماره ۲، ص ۱۱۹-۱۳۷.
۷۹. ویلیامز، جنی (۱۳۹۴)، نظریه‌های ترجمه، ترجمه رعنا اسفندیاری، خراسان رضوی: انتشارات درج سخن.
۸۰. یاسری، محمود (۱۴۱۵ق)، ترجمه قرآن، تحقیق مهدی حائری تهرانی، قم: بنیاد فرهنگی امام مهدی علیه السلام.